

فقدان شرایط اساسی

در

توافق جامع

امیرفیض- حقوقدان

عنوان این تحریرمتوجه شرایط اساسی و لازم دره توافق و یا عهدنامه بین المللی است، لاجرم توجهی به شرایط تبعی که ساخت حقوقی توافق جامع را شکل داده است ندارد.

مقصود این تحریر از شرایط اساسی، شرانطی است که به توافق جامع حیات حقوقی میدهد و توافق را واجد صلاحیت قانونی برای دارا شدن حق و نیز اعمال آن میسازد.

حیات حقوقی، اصطلاحی است که یکی از حقوقدانان مشهور اروپایی بکار برده و او معتقد است که عهدنامه های بین المللی مانند افراد متولد میشوند و رشد اجرائی پیدا میکنند و بعد از مدتی مانند حیات انسان خاتمه مییابد او اهلیت و صلاحیت را شرط و عصاره عهدنامه ها میداند.

همو صلاحیت را اقتدار و توانمندی میداند که شخص و یا کشورها مطابق استاندارهای از قبل تعیین شده دارا میباشند.

صلاحیت در توافق جامع

همانطور که در قانون مدنی کشورها قراردادها و عهد بین افراد، تشریح و شرایط آن بصورت قانونی مدون شده است در سال ۱۹۶۹ در کنوانسیون وین عهدنامه های بین کشورها (توافق جامع) تحت نظم و نسقی پیاده و عموم کشورهای از جمله ایران به اجرای آن متعهد شده اند.

بنابراین توافق جامع نمیتواند خارج از مقررات کنوانسیون وین شکل حقوقی و اجرائی پیدا کند؛ و یا متولد شود.

کنوانسیون وین اصولی که رعایت آنها را در تنظیم عهد نامه ها لازم و ضروری میداند در کمال دقت پیاده کرده که این تحریر به بخشی از آنها که تصور میکند در شکل گیری قرارداد جامع رعایت نشده میپردازد:

- اصل رضایت آزادانه
- اصل حق تساوی حقوق ملتها
- اصل تساوی حاکمیت کشورها
- اصل عدم توسل به تهدید
- اصل رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر
- اصل حسن نیت و احترام متقابل

• اصل عدم مداخله در امورکشورها

منشور سازمان ملل اصول بالا را قاعده آمرانه عام حقوق بین الملل دانسته و آنرا به این تعریف گرفته است:

«قاعده مزبور که از طرف مجموع کشورهای عضو سازمان بعنوان قاعده اصلی که استثناء پذیر نیست و نمیتوان به هیچوجه از آن تخلف نمود و یا در آن تغییری داد پذیرفته شده است».

مفسرین حقوق بین الملل از قاعده بالا به اعتبار اهمیتی که دارد بنام ناموس آمرانه حقوق بین الملل یاد کرده اند.

اهمیت اصول مزبور در عهد نامه های بین المللی در آن حد است که ماده ۵۳ کنوانسیون وین صراحت دارد که چنانچه عهد نامه های بین المللی هر ماده ای از آن با اصول مزبور که بنام قاعده آمره عام حقوق بین الملل نامیده میشود مخالف باشد باطل است.

فقدان قواعد آمرانه در توافق جامع

***** اصل رضایت آزادانه**

رضایت آزادانه به این معنا گرفته میشود که شخص با تفکرو آگاهی به منافع آتی و منافع آتی و تعهدات مربوطه و آثار آن به اشخاص دیگر، بدون تهدید و تشویش احساس رضایت کند. نقطه مقابل این رضایت که به رضایت قلبی موصوف است رضایت احساسی است که از تعقل و دوراندیشی و عوارض رضایت بی خبر است و وقتی خبردار میشود، بطور طبیعی نشاط و رضایت احساسی او جایگزین غمی میشود که انتظار نداشته است. ضرب المثل «از پس هر خنده آخر گریه است» مصداق رضایت و شادی های احساسی است.

بدیده رضایت در جامعه

ملاحظه شد که رکن اصلی برای ایجاد رضایت تفکرو اهلیت به معنای رشد و تمیز است بنابراین نمیتوان به رضایت صغیر و انسان غیر رشید عنوان رضایت داد بلکه تظاهریه شادی است که امری احساسی شناخته میشود (گوهری طفلی به قرص نان دهد).

در جامعه ایران کنونی بواسطه حاکمیت مذهب تشیع و قائمیت آن در حقوق اساسی کشور، مردم واجد اهلیت برای تشخیص مسائل و رسیدن به رضایت متفکرانه و معقولانه شناخته نمیشوند، بنابراین اصل رضایت مردم از توافق جامع معیوب و درجائی که حقوق بین الملل میخواهد قرار ندارد.

در جامعه تشیع کنونی ایران رضایت جامعه با طی مراحل خاصی قابل کسب است با این توضیح که رضایت حاصل از آن مجاری، تامین کننده اصل رضایت که حقوق بین الملل مقرر کرده نیست بلکه رضایتی است که از پشتوانه شرعی و در رابطه با قیمومت و حجر مردم به دست آمده و در محدوده جامعه و کشور اسلامی تشیع ایران قابل اعتبار است.

مراحل مزبور عبارتند از

- ۱- فتوای مراجع تقلید شیعه در ایران و خارج از کشور مبنی بر رضایت از توافق جامع
- ۲- تصویب مجلس اسلامی به اعتبار صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی
- ۳- تائید شورای نگهبان به اینکه توافق جامع خلاف اسلام نیست

در مورد بند سوم، این توجه بجاست که اصل ۹۶ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی صراحت دارد که قرارداد های بین جمهوری اسلامی و کشورها نمیتواند خلاف با قوانین اسلامی باشد و در رابطه با این صراحت، تصویب کنوانسیون حقوق کودکان بایک شرط کلی مبنی بر اینکه کنوانسیون نباید خلاف اسلام باشد بتصویب رسید.

در مخالفت توافق جامع با احکام آمره اسلام کوچکترین تردیدی نیست که اسلام اجازه نمیدهد کفارتحت هر نام و موضوعی بر مسلمانان ۲۵ سال سیطره و قدرت راستی آزمائی داشته باشند.

بهر حال قرار نیست که این تحریر وارد شرائط تبعی توافق جامع بشود همان اشاره هم شاید بيمورد باشد و قضیه متصور به شورای نگهبان و بحث و نقد توافق جامع است.

نه تنها از فتوای مراجع تقلید در باب رضایت از توافق جامع خبری نیست بر عکس خبرهای جدی از بر آشفته شدن گروهی از نمایندگان مجلس اسلامی منتشر شده که آنها رسماً در مجلس اعلام کرده اند که تاکنون از متن توافق جامع اطلاع رسمی نیافته اند و در متونی که منتشر شده تعارضاتی است که گواه بی اعتباری متون مزبور میباشد.

و انفسای دیگر اینکه بخشنامه محرمانه به روزنامه هاشده که از نقد و تجزیه و تحلیل توافق جامع پرهیز کنند.

از سوی رئیس مجلس هم به نمایندگان اخطار شده که حرف آخر را رهبر! زده و میزند.

اینها و نظایر آن ضایعاتی است که همان رضایت شرعی را در جامعه ایران نسبت به توافق جامع زیر سوال میبرد.

کیفیت رضایتمندی جامعه

رضایت پدیده ای است که کم، کم میروید و بصورت نهال نیرومندی در میآید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی از جمله همین توافق جامع رضایت وقتی واقعی است که مردم از ابتدا در جریان مذاکرات، مشکلات، دستاوردها و مسائل مشابه قرارداد داشته باشند، در غیر این صورت رضایت مصنوعی است مانند درخت بی ریشه و مصنوعی است که موقتا درجائی نهاده میشود که مردم از دیدن آن خوشحال شوند.

غفلت ایوز یسیون

این تحریر نمیتواند غفلت فراموش نشدنی اپوزیسیون خارج از کشور در تبعیت از دلشادی های سطحی و مزورانه بیگانگان و بخش کوچکی از جوانان ایرانی را فراموش کند.

ایرانیان داخل کشور در چنبره آزادی های سلب شده قرار گرفته و ناچار، با ساز حکومت میرقصند، چرا باید اپوزیسیون خارج از کشور که در محیط آزاد فعالیت دارد از توافق نامه ای که آنرا نه خوانده و نه خواندن آن کافی است، اظهار شادی و رضایت کند و وجود آنرا بهتر از نبودن آن اعلام کند، آیا ۲۵ سال حکومت آمریکا به بهانه راستی آزمایی بر ملت ایران بهتر است از نبودن آن؟

در حال حاضر تنها موضعی که تامین کننده اصل رضایت در توافق جامع ممکن است به حساب بیاید همین اعلام رضایت شخصیت های اپوزیسیونی خارج از کشور است که کنوانسیون وین به این چنین اعلام رضایتی اعتبار داده است.



در توافق جامع باغ سبزهانی وعده داده شده درست همانند آنکه دسته علفی به بره ای نشان داده شود؛ آیا اپوزیسیون مطمئن است که آن دسته علف به بره داده شود بدون آنکه سرش بریده شود؟ چرا باید اپوزیسیون با آن همه امکانات کسب معرفت نسبت به توافق جامع همانند یک آدم کودن و طفلی که گوربه قرص نان میدهد عمل کند و اگر روزی ملت ایران خواست به اعتبار عدم رضایت توافق جامع به تحصیل حقوق خود قیام کند همین اظهار رضایت حضرات، مانند تیغ به چشم حق مسلم ایران برود.

چه اصراری است که به این سرعت نخوانده و بحث نکرده نه به مجلس رفته و نه حکومتی که اپوزیسیون با آن بیعت کرده آنرا نپذیرفته، اعلام رضایت از توافق جامع بشود؟ درک فشار و خواست آمریکا در اظهار رضایت نسبت به توافق جامع انکار شدنی نیست؛ آخر در این حد که آنها اشاره کنند و ما سر ایران را برایشان بیاوریم قانع کننده نیست.

*** اصل حق تساوی حقوق ملت ها در تعهد تحریر بعدی